

# تحلیل روانشناسانه و اسلامی تنبیه بدنی از دیدگاه کودکان

محبوبه البرزی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۵

عضو هیأت علمی بخش مبانی تربیت دانشگاه شیراز

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۵/۲۰

## چکیده

روش‌ها و شیوه‌های متعددی برای جامعه‌پذیری کودکان وجود دارد. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه کودکان از تنبیه بدنی با تحلیلی از رویکرد اسلامی و روانشناسی پرداخت. در این راستا تعداد چهل دختر و پسر مقطع پیش دبستانی بر اساس نمونه در دسترس با استفاده از آزمون نقاشی و مصاحبه مورد سنجش قرار گرفتند. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد بیشتر کودکان مورد تنبیه بدنی خفیف قرار گرفته بودند. کودکان دیدگاه مثبتی نسبت به تنبیه بدنی نداشتند، لیکن در قبال خطاها و اشتباهات خود روش‌های تربیتی دیگر همچون قهر، محرومیت و جریمه شدن را می‌پذیرفتند. کودکانی که مورد تنبیه بدنی شدید قرار می‌گرفتند در نقاشی خود از رنگ‌های تیره، خطوط کمرنگ و حداقل فضا استفاده می‌کردند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی والدین، سن و تحصیلات مادر پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار استفاده از تنبیه بدنی بود. نتایج کسب شده با دو رویکرد اسلامی و روانشناسی تحلیل گردید.

واژگان کلیدی: تنبیه بدنی، کودکان، رویکرد اسلامی، رویکرد روانشناسی

## مقدمه

طبیعت اجتماعی انسان، ضرورت پذیرش قواعد، نظم و قوانین را ایجاب می‌کند. در تاریخچه زندگی بشر همواره انسان‌ها برای زندگی بهتر و سعادت دنیوی و اخروی نیاز به تأدیب، آموزش و هدایت داشته‌اند. بر این اساس خداوند رسالت هدایت انسان‌ها را بر عهده انبیاء گذاشت و به آنان قدرت و امکان هدایت بشر را عطا فرمود. در قرآن کریم سوره اسراء آیه ۹۴ آمده است: «خداوند بر مومنان منت گذاشت که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت، تا آیات خدا را بر آنان بخواند و آنان را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد». در این میان تعلیم و تربیت کودک به سبب تأثیرپذیری و انعطاف‌پذیری شخصیت کودک برای پرورش، اهمیت بسزایی دارد و در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها و مذاهب مورد بررسی و توصیه

1. Email: mahboobeh.alborzi@gmail.com

قرار گرفته است. تربیت کودکان به معنای پرورش همه جانبه شخصیت کودک نیاز به مبانی، اصول، اهداف و روش‌های دارد که متأثر از اعتقادات مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و قومی است. عوامل اجتماعی تأثیرگذار (والدین، مدرسه و ...) بر کودک با الهام از آموخته‌ها، تجارب و قواعد به تعلیم و تربیت کودکان اقدام می‌کنند. مروری بر پژوهش‌های انجام شده پیرامون شیوه‌های تربیتی والدین حاکی از نقش‌های متعدد و شیوه‌های متفاوت تعلیم و تربیتی است که پیامدهای متعددی به دنبال دارند (Nixon & Halpenny, 2010: 1)؛ (Park & Buriel, 1998: 465). برخی محققان نقش تعاملات والدین با کودکان را بر رفتارهای خودهدایتی کودکان مورد تأیید قرار دادند (Torreta & Bovitz, 2005: 230). برخی دیگر دریافته‌اند که رفتارهای کنترلی تهدیدآمیز مادر با انگیزش درونی رابطه منفی و با انجام تکلیف رابطه مثبت دارد (Gurland & Grolnick, 2005: 105). در پژوهشی دیگر نتایج نشان دادند کودکانی که مشکلات انگیزشی دارند دارای والدینی هستند که توجه کمی (مراقبه کم) به فعالیت‌های تحصیلی فرزندان خود دارند و رفتارهای مستقلانه آنان را کمتر تأیید می‌کنند (Rattle, Guy, Lorsoe & Senecal, 2004: 743). مروری بر پژوهش‌های مربوط به روش‌های. مروری بر پژوهش‌های مربوط به اجتماعی‌سازی والدین در کودکان، نشان داد والدینی که کودکان خود را کنترل می‌کنند، موجب کاهش انگیزش و در نتیجه کاهش عملکرد در آنان می‌شوند به ویژه این تأثیر در کودکانی که خودپنداره ضعیف‌تری دارند و همواره بازخوردهای مبنی بر ناشایستگی دریافت می‌کنند، بیشتر است (Grolnick, 2003: 10). چنانچه مشاهده می‌شود بیشتر پژوهش‌های انجام شده بر روش‌های تربیتی والدین است؛ و پژوهش‌های کمتری به ابزارهای تربیتی والدین پرداخته‌اند (Nixon & Halpenny, 2010: 2). به ویژه در این گروه از پژوهش‌ها، تحقیقات اندکی پیرامون دیدگاه کودکان نسبت به روش‌ها و ابزارهای تعلیم و تربیتی والدین انجام شده است (Sanapo & Nakamura, 2011: 39). از میان ابزارهای متعدد تعلیم و تربیتی، تنبیه چه جسمانی و چه روانی، شیوه رایج در میان والدین از فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف می‌باشد و علاوه بر اینکه توجیهات متعددی در مورد آن وجود دارد، کاربردها و پیامدهای آن نیز متفاوت می‌باشد (Dobbs & et al, 2006: 137). برخی از محققان در پژوهش خود دریافته‌اند در آمریکا ۹۴٪ از کودکان در سن سه و چهار سالگی تنبیه فیزیکی شده‌اند (Straus & Stewart, 1999: 55). برخی دیگر نشان دادند ۷۵٪ از والدین انگلیسی تنبیه بدنی را به کار می‌برند (Nobes & Smith, 1997: 271). در استرالیا مطالعه‌ای نشان داد که ۹۴٪ از کودکان بین سن چهار تا چهارده سالگی سیلی یا پشت‌دستی خورده‌اند و ۳۶٪ با یک ابزار آسیب دیده‌اند (Sannders & Goddard, 2005: 405). گرچه در کلیه پژوهش‌ها و نظریات حاکی از عدم تأثیر طولانی مدت و مفید تنبیه فیزیکی می‌باشد لیکن در بیشتر فرهنگ‌ها و جوامع از این شیوه تربیتی استفاده می‌گردد

(Gershoff, 2002: 539). پژوهش‌هایی که دیدگاه کودکان را نسبت به تنبیه بدنی بررسی کرده‌اند، نشان داده‌اند کودکان به تنبیه بدنی پاسخ و واکنش منفی دارند و تنبیه بدنی را دوست ندارند و حق خود نمی‌دانند (Dobbs & et al, 2006: 138). بیشتر کودکان ترجیح می‌دهند در صورت کار اشتباه با روش‌هایی مثل محرومیت، بدخلقی و قهر مواجه شوند (Sanapo & Nakamura, 2011: 43). در تعالیم مذهبی نیز اهمیت ویژه‌ای به کودک و تربیت وی داده شده است به ویژه در دین اسلام به عنوان کامل‌ترین و بهترین مذهب توجه ویژه‌ای به دوران کودکی و اهمیت آن داده شده است. چنانچه امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «و تَجِبُ لِلْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ إِخْتِيَارُهُ لَوَالِدَتِهِ وَ تَحْسِينِ اسْمِهِ وَ الْمُبَالَغَةَ فِي تَأْدِيبِهِ؛ (المجلسی، ۱۳۷۴: ۲۳۶) حق فرزند بر پدر سه چیز است: مادر خوبی برایش انتخاب کند، نام خوبی برایش بگذارد و در تربیتش تلاش کند». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْوَالِدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعِ سِنِينَ وَ زَيْرٌ سَبْعِ سِنِينَ (میرباقری، ۱۳۶۵: ۲۵۵)؛ فرزندان آدمی در هفت سال اول سید و آقا است (باید آزادی داد تا بازی کند). در هفت سال دوم بنده و فرمانبردار است (باید با آداب و اخلاق نیک تربیت کرد). و در هفت سال سوم وزیر و مشاور خانواده می‌باشد (باید مشاور، ملازم و همراه خود قرار داد)».

با توجه به آنچه گفته شد و به تغییرات اساسی و مهمی که کودکان در دوران معاصر نسبت به گذشته داشته‌اند و از سطح درک و فهم متفاوتی برخوردار می‌باشند، شناخت دیدگاه کودکان نسبت به عملکرد والدین به ویژه در قبال تنبیه بدنی، می‌تواند به شناخت و تصحیح و ایجاد عملکردها و ابزارهای تربیتی کمک نماید. بر این اساس هدف پژوهش حاضر شناخت دیدگاه کودکان نسبت به تنبیه و به ویژه تنبیه بدنی والدین بود. بدین منظور سؤالات زیر مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱- کودکان چه دیدگاهی نسبت به تنبیه دارند؟
- ۲- کودکان چه احساسی نسبت به تنبیه دارند؟
- ۳- کدامیک از متغیرهای سن، جنس، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر پیش‌بینی کننده تنبیه بدنی در کودکان می‌باشد؟

## روش تحقیق

### جامعه و نمونه آماری

جامعه پژوهش شامل کلیه کودکان شش تا هفت ساله مقطع پیش دبستانی در شهرستان شیراز در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ بود. که تعداد چهل کودک دختر و پسر (۲۲ پسر و ۱۸ دختر) به شیوه در دسترس برای انجام پژوهش انتخاب گردیدند.

## ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر سه ابزار استفاده گردید:

- ۱- پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناختی والدین که بر اساس آن ویژگی‌های همچون سن، تحصیلات، شغل، و تعداد فرزندان جمع‌آوری گردید.
  - ۲- نقاشی کودکان: از کودکان خواسته شد صحنه‌ای از تنبیه کودک را ترسیم کنند. مدت زمانی که برای ترسیم نقاشی داده شده و چگونگی آن برای کودکان آزاد بود، لیکن بعد از ترسیم، میانگین زمان به دست آمده برای نقاشی پانزده دقیقه بود. دستورالعملی که برای ترسیم نقاشی داده شده برای همه کودکان یکسان بود.
- « به شما یک کاغذ سفید (A4)، یک بسته مداد رنگی شش رنگ داده می‌شود. ما دوست داریم برایمان نقاشی بکشید که نشان دهد کودکی تنبیه می‌گردد.»
- شیوه کار در پژوهش حاضر برگرفته از روش آزمون خلاقیت AMABLIE بود که در پژوهش البرزی (۱۳۸۶) به کار گرفته شده است و روایی و پایایی آن مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است.

- ۳- مصاحبه: تعداد هشت سؤال که از محتوای پژوهش (Nixon & Halpeny, 2010: 85) استخراج گردید برای سنجش دیدگاه کودکان نسبت به تنبیه بدنی استفاده شد. شامل: مفهوم تنبیه، احساس کودک نسبت به تنبیه، چرا کودکان تنبیه می‌شوند، اگر شما جای والدین بودید در قبال کار اشتباه فرزندان چه کار می‌کردید، آیا خدا کسی را تنبیه می‌کند، آیا خدا کودکان را تنبیه می‌کند، در خانه چه کسی بیشتر تنبیه می‌کند، وقتی بزرگ شدید اگر بچه‌تان کار بدی کرد آیا او را تنبیه می‌کنید. مدت زمان انجام هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود.

## یافته‌ها

### ۱- یافته‌های توصیفی پژوهش

جدول (۱): توزیع فراوانی کودکان بر مبنای تجربه تنبیه بدنی

بر اساس جنسیت و نوع تنبیه بدنی

نوع تنبیه بدنی	تنبیه گر		بدون تجربه تنبیه بدنی	تجربه تنبیه بدنی	آزمودنی‌ها
	مادر	پدر			
شدید					
خفیف					
۴	۱۵	۲	۱۷	۳	۱۹
۲	۱۱	۱	۱۲	۵	۱۳
۶	۲۶	۳	۲۹	۸	۳۲

نتایج جدول شماره ۱ حاکی از آن است که بیشتر کودکان تجربه تنبیه بدنی را داشته‌اند که البته بیشتر از نوع خفیف (پشت‌دستی زدن، به پشت زدن و سیلی زدن) است و تعداد کمتری تنبیه بدنی شدید (استفاده از ابزارهایی مثل کمر بند، چوب و خط کش) را گزارش کرده‌اند. همچنین نتایج حاکی از آن بود که پسران تنبیه چه شدید و چه خفیف بیشتر تجربه کرده‌اند.

## ۲- دیدگاه کودکان نسبت به تنبیه بدنی

نتایج حاصل از مصاحبه با کودکان در ارتباط با مفهوم تنبیه و دیدگاه آنان نسبت به تنبیه شامل موارد زیر بود:

### الف- مفهوم تنبیه در دیدگاه کودکان

مفهوم تنبیه در دیدگاه کودکان به دو صورت بود:

۱- کتک، ناسزا، حبس کردن و داد کشیدن. کودکان در این گروه سنی تنبیه را بر اساس اعمال و اجرای تنبیه تعریف می‌کردند. به بیان دیگر سازه‌های عینی در توصیف تنبیه به کار می‌رفت. چنانچه کودکی هفت ساله چنین عنوان کرد: «تنبیه یعنی کتک، فحش، در اطاق حبس شدن و داد کشیدن»

کودکی دیگر: «تنبیه یعنی دعوا و کتک کاری»

۲- مفهوم دیگری که کودکان برای معنای تنبیه بیان می‌کردند شامل انجام کار بد و اشتباه بود. کودکی شش ساله چنین گفت: «تنبیه یعنی کار اشتباه انجام دادن»  
کودکی دیگر: «تنبیه یعنی به حرف پدر و مادر گوش ندادن»

### ب- چرا کودکان تنبیه می‌شوند

در ارتباط با این سؤال از چهل کودک، ده نفر عنوان کردند کودکان نباید تنبیه شوند، کسی حق ندارد آن‌ها را تنبیه کند، ما نمی‌دانیم چرا کودکان را تنبیه می‌کنند. بقیه کودکان در پاسخ به این سؤال موارد عدم اطاعت، لجبازی، دعوا با بچه‌های دیگر را از عمده مباحث در ارتباط با علت تنبیه بیان کردند.

### ج- دیدگاه کودکان نسبت به خدا و تنبیه

از چهل کودک هشت نفر عنوان کردند خداوند کودکان را تنبیه نمی‌کند چون مهربان است و تعداد ۲۸ نفر عنوان کردند خداوند کودکان را تنبیه می‌کند چون به حرف پدر و مادر گوش نمی‌دهند؛ و تعداد چهار نفر پاسخ ندادند. نمونه‌ای از استدلال کودکان:

«شیطان آدم‌ها را گول می‌زند و خدا آدم‌هایی را که به حرف شیطان گوش داده‌اند به جهنم می‌برد».

«خدا کودکانی را که به حرف مامان‌هاشون گوش نمی‌دهند دوست نداره و تنبیه می‌کند».

«خدا همان‌طور که بزرگسالان را تنبیه می‌کند، کودکان را هم که کار بد می‌کنند تنبیه می‌کند».

#### د- احساس کودکان نسبت به تنبیه

در این ارتباط همه کودکان چه آن‌ها که تجربه تنبیه بدنی داشتند و چه آن‌ها که نداشتند عنوان کردند احساس‌های مشترک ناراحتی، ترس و دوست نداشتن را عنوان کردند.

« من مامانم را وقتی تنبیهام می‌کند دوست ندارم».

« من از مامانم وقتی تنبیهام می‌کند خیلی می‌ترسم».

در نهایت کودکان در ارتباط با اینکه وقتی بزرگ شدند در برابر اشتباهات فرزندان‌شان چه کار می‌کنند بیشترین پاسخ آن بود که اول جدی حرف می‌زنند و در نهایت تنبیه بدنی آرام می‌کنند.

« اگر بچه‌ام بی‌ادبی کرد اول بوسش می‌کنم می‌گویم نکن، اما اگر گوش نداد یواش تو کمرش می‌زنم».

«اگر بچه‌ام به حرفم گوش نداد یواش دعواش می‌کنم».

«اگر بچه‌ام درس نخوند نمی‌گذارم کارتون نگاه کند».

#### ۳- تنبیه در نقاشی‌های کودکان

نقاشی‌های انجام شده توسط کودکان مفاهیم اصلی که آن‌ها در مصاحبه بیان کرده بودند، نشان می‌داد. لیکن نکته قابل توجه در کارهای نقاشی شده آن بود که اکثر صحنه‌های ترسیم شده، تجربه‌های شخصی خود کودکان بود. علاوه بر این در نقاشی‌ها نکات زیر نیز قابل توجه بود:

۱. کودکانی که سابقه تنبیه بدنی شدید داشتند تصاویر را با رنگ‌های تیره‌تر، در فضا و ابعادی کوچک‌تر و با نوعی عدم اعتماد به نفس ترسیم می‌کردند (تصویر شماره ۱).
۲. کودکانی که شیوه تنبیه‌شان کمتر تنبیه بدنی بود و یا تنبیه بدنی خفیف آن هم در موارد آسیب‌زا مثل بدون اجازه به گاز و برق دست زدن و یا موارد مشابه بود نوع تنبیه‌هایی را که ترسیم کرده بودند بیشتر محرومیت از آنچه دوست دارند آن هم به صورت محدود بود (تصویر شماره ۲).
۳. کودکانی که زیاد تنبیه بدنی می‌شدند (خفیف) در نقاشی‌هایشان نوعی بی‌ثباتی و عدم رضایت دیده می‌شد (پاک کردن زیاد، برای ترسیم متکی بودن به محقق و هراس از نقاشی کشیدن).



تصویر شماره ۲



تصویر شماره ۱

تصویر شماره ۱ این تصویر کودکی را نشان می دهد که از ترس کتک خوردن از پدر زیر میز پنهان شده است. تصویر شماره ۲ کودکی را نشان می دهد که اطاقش را مرتب نمی کند و نامنظم است از خوردن بستنی محروم است تا وقتی که اطاق خود را مرتب نماید. کدامیک از متغیرهای سن پدر، سن مادر، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر پیش‌بینی کننده استفاده از تنبیه بدنی در کودکان می‌باشد؟ برای پاسخگویی به این سؤال از روش آماری رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده گردید (جدول ۲).

جدول (۲): رگرسیون چندگانه کاربرد تنبیه بدنی بر متغیرهای جمعیت‌شناختی والدین

متغیر	ضریب رگرسیون (بتا)	R	R <sup>2</sup>	معناداری
سن پدر	۰/۰۸	۰/۴۶	۰/۲۱	NS
سن مادر	-۰/۲۵			۰/۰۱
تحصیلات پدر	۰/۱۰			NS
تحصیلات مادر	-۰/۱۸			۰/۰۵

جدول ۲ حاکی از آن است که ضریب همبستگی چندگانه ۰/۴۶ و ضریب تعیین ۰/۲۱ می‌باشد. به عبارتی ۲۱ درصد از واریانس کاربرد تنبیه بدنی در کودکان از طریق متغیرهای پژوهش قابل تبیین است. مقایسه ضرایب بتا حاکی از آن است که از میان متغیرهای سن و تحصیلات پدر و مادر، سن مادر (β=-۰/۲۵) و تحصیلات مادر (β=-۰/۱۸) پیش‌بینی کننده منفی و معنادار تنبیه بدنی می‌باشد. به بیان دیگر هر چه سن مادر و تحصیلات مادر بیشتر باشد استفاده از تنبیه بدنی کمتر می‌باشد.

### بحث و بررسی

فرآیند اجتماعی‌سازی کودکان، ضرورت اجرای قوانین و قواعد را انکارناپذیر می‌سازد. چگونگی اجرای این امر توسط عوامل اجتماعی تأثیرگذار پیامدها و نتایج متفاوتی دارد. بر این

اساس نتایج پژوهش حاضر با برخی از پژوهش‌ها در این زمینه همسو بود (Nixon & Halpenny, Ibid: 2); (Dobbs & et al, 2006); (Sanapo & Nakamura, Ibid: 39). چنانچه نتایج نشان داد، کودکان پذیرای رفتارهای تنبیه‌گر والدین در قبال خطاها و اشتباه‌های خود می‌باشند لیکن، آنچه آنان را آزرده‌خاطر می‌سازد تنبیه بدنی است که به هر شکل و صورتی مورد قبول نیست. احساس منفی کودکان نسبت به شخص تنبیه‌گر، کوتاه‌مدت بودن تأثیر تنبیه، الگوپذیری نادرست کودک، به مخاطره افتادن نیازهای کودکان و امنیت کودک حداقل تأثیرات منفی است که در تنبیه بدنی وجود دارد. بر این اساس در ادامه بحث از دو دیدگاه اسلامی و روانشناسی نتایج کسب شده تحلیل می‌گردند.

### الف- رویکرد روانشناسی

مکاتب مختلف روانشناسی از دیدگاه‌های مختلف شناخت‌گرایی، روانکاوی، رفتارگرایی و انسانگرایی تبیین‌های مختلف برای کودک و شکل‌گیری شخصیت وی ارائه داده‌اند. آنچه در کلیه مکاتب مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است شیوه ارضای نیازها و برخورد با خواسته‌های کودک می‌باشد. در دیدگاه شناختی پاسخگویی به ذهن فعال و کنجکاو کودک اساس طرحواره‌هایی شناختی می‌گردد که تبیین‌کننده بسیاری از اعمال، نگرش‌ها و رفتارهای کودک است. در دیدگاه روانکاوی زمانی که اولین بار والدین ارضای نیازهای کودک را بر اساس شرایط و با تأخیر انجام می‌دهند موجب شکل‌گیری فراخود می‌گردند که اساس رفتارهای آتی کودک در دوران بزرگسالی می‌گردد. در نظریه رفتارگرایی بر اساس اصل شرطی شدن فعال (تقویت مثبت، تقویت منفی، تنبیه)، کودک در قبال رفتارهای خود پیامدهای دریافت می‌کند که احتمال افزایش یا کاهش رفتار را موجب می‌شود و در نهایت بر اساس مکتب انسانگرایی، سلسله مراتب نیازهای کودک در تقابل با محیط عامل اصلی در جهت حرکت وی به سمت خود شکوفایی می‌باشد (البرزی، ۱۳۸۶: ۲۳۸).

بر اساس رویکردهای شناختی اجتماعی، آنچه تبیین‌کننده بسیاری از رفتارهای کودک می‌باشد و واکنش‌های وی را در قبال محیط و افراد تأثیرگذار تعیین می‌نماید تعامل ویژگی‌های شخصیتی، محیط (والدین، معلم و جامعه) و شناخت کودک در شکل‌گیری انگیزش وی برای انجام یا عدم انجام یک رفتار است (Hennessy, 2003: 253). در تبیین انگیزش که عاملی کلیدی برای نقش والدین و محیط اجتماعی کودک می‌باشد، ارضای نیازهای اساسی کودکان مطرح است (Deci & Ryan, 2000: 228). این محققان با مطرح نمودن نظریه نیازهای اساسی در نظریه خود تعیینی، «نیاز» را عنصر کلیدی در ایجاد خود استقلال و عامل اساسی در رشد سالم، سازگاری و سلامت روان کودکان می‌دانند. بدین معنی که رشد ایده‌آل در انسان، مستلزم ارضاء سه نیازی است که پاسخگوی چگونگی و چرایی تعیین هدف‌ها و پیگیری آن‌ها می‌باشد و بر تمامی رفتارها اثر دارند و شامل: نیاز به شایستگی؛ نیاز به خود استقلال و نیاز به وابستگی است.



افراد نیاز دارند که در تعاملات خود با دیگران، تکالیف و فعالیت‌ها احساس شایستگی و تسلط نمایند (نیاز به شایستگی). ایجاد احساس قدرت و توانایی در تعاملات با دیگران یا به بیان دیگر ایجاد هسته کنترل درونی در فرد زمانی که به فعالیت‌های گوناگون می‌پردازد (نیاز به خود استقلالی)؛ و نیاز برای تعلق به گروه و ارتباط با دیگران (نیاز به وابستگی). ارتباط بین نیازهای مطرح در نظریه خود تعیینی چنان است که اگر افراد بر اساس علائق خود عمل می‌کنند، دارای هسته ادراک علیت درونی هستند و زمانی که بر اساس فشارهای بیرونی همچون پاداش، تهدید و محدودیت زمانی عمل می‌کنند، ادراک علیت بیرونی دارند؛ و بر همین اساس رویدادهایی همچون پاداش‌ها و تقویت‌کننده‌ها که عامل پرورش هسته ادراک علیت بیرونی هستند، باعث کاهش انگیزش درونی می‌شوند و رویدادهایی همچون قدرت انتخاب و آزادی عمل که پرورش‌دهنده هسته ادراک علیت درونی هستند، باعث افزایش انگیزش درونی می‌گردند. (Deci & Ryan, 2000: 68 & 230); (Hennessy, 2003: 260); (Amable, 2001: 333)

سه نیاز ذکر شده جزئی از ساختار روانی انسان هستند که حاکی از تمایلات ذاتی برای پیوستگی و ارتباطات با دیگران می‌باشد، ولی بر اساس این نظریه، آنچه در مفهوم نیاز اهمیت بسزایی دارد عامل‌های محیطی و فردی تسهیل‌کننده یا بازدارنده در ارضای آنان می‌باشند. چنانچه اگر شرایط در جهت حمایت از ارضای نیازها باشد، پیامدهای مثبت به دست می‌آید و زمانی که عامل‌های بازدارنده وجود داشته باشد، پیامدهای منفی کسب خواهد شد. بر این اساس اگر تنبیه کودکان به ارضای نیازهای اساسی وی صدمه‌ای وارد نسازد و به گونه‌ای حمایتگر آنان باشد، به واقع در جهت استقلال و سلامت روان کودک می‌باشد. طبیعتاً والدین برای آموزش قوانین و اجتماعی‌سازی کودکان، هم به رفتارهای تسهیل‌کننده و هم به رفتارهای بازدارنده متوسل می‌شوند. اگر تنبیه کودک به خاطر فعل و عمل کودک باشد و شخصیت کودک را تخریب نسازد یا به عبارتی نیاز به شایستگی و تعلق و وابستگی را در کودک زائل نسازد موجب ارضای خود استقلالی نیز در کودک و انگیزش درونی برای انجام اعمال در وی می‌گردد و نقش کنترل‌کننده‌های محیطی و بیرونی را از جمله تنبیه به ویژه تنبیه بدنی به حداقل می‌رساند. تنبیه بدنی در روانشناسی و اصول تعلیم و تربیت پذیرفته شده نیست و همان‌طور که در این پژوهش و سایر تحقیقات آشکار شده است روش‌های دیگری چون محرومیت، جریمه و قهر که کودک آن را نتیجه مستقیم عملکرد خود بداند مؤثرتر و سازنده‌تر می‌باشد. والدین تعلیم و آموزش کودکان را وظیفه خود می‌دانند و بر اساس آن تنبیه را توجیه می‌کنند. در حالی که تعلیم و آموزش کودک میسر نیست مگر با شناخت نیازها، ویژگی‌ها و خصلت‌های وی. اگر نیاز به امنیت کودک به مخاطره نیفتد برای آموزش به وی نیاز به کاربرد تنبیه جسمی و روانی نمی‌باشد.

#### ب- رویکرد اسلامی

در دین اسلام برای تربیت و تأدیب انسان شیوه‌های متعددی توصیه شده است. الگوسازی، موعظه، مهرورزی و عطف، عبرت‌آموزی، تشویق، تنبیه، تمرین و عادت دادن نمونه‌هایی که

بر اساس سیره انبیاء و قرآن کریم بیان شده است (مهدوی راد و زرسازان، ۱۳۸۵: ۱۶۲). دین اسلام دین عطوفت و مهربانی به ویژه در ارتباط با کودکان است. مهربانی و عطوفت حضرت علی علیه السلام به کودکان در تمامی ادیان و روایات مذهبی ذکر شده است. از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که به یکی از یاران خود در قبال فرزندش فرمود: «لا تضربه واهجره و لا تطل؛ او را نزن، بلکه با او قهر کن، اما خیلی طول نکشد» (نقل از مروجی طبسی، ۱۳۷۴). پیشوایان دینی ما با غلامان، کودکان و ناتوانان همیشه با الفت و مهربانی رفتار می‌کردند و رفتارهای خشن نداشتند. این امر خود گواهی بر اصول تعلیم و تربیتی در مکتب اسلام است که اگر به کودکان محبت نماید و الگویی برای کردار و رفتار نیک باشید نیازی به کاربرد تنبیه بدنی و رفتارهای خشونت‌آمیز نیست.

در مواردی که برای اصلاح و تربیت کودکان نیاز به کاربرد تنبیه گردیده است در دین اسلام حدود و شرایطی برای آن اعلام شده است. قال علی علیه السلام لصبيان ألقوا ألواحهم بين يديه لينظر فيهما يخير بينهم ... أبلغوا معلمكم ان ضربكم فوق ثلاث ضربات في الأدب اقتص منه، به معلم خود بگویید که اگر برای تأدیب، بیش از سه ضربه به شما بزند، از او قصاص خواهد شد». امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حق تنبیه در جای است که مربی نسبت به موضوع مورد نظر با شخص تحت تربیت خود سخن گفته و او را کاملاً توجیه کرده باشد ولی درباره کاری که امر و نهی قبلی در خصوص آن صادر نشده و ناآگاهانه از او سر زده است چنین حقی وجود ندارد (عاملی، ۱۳۹۵: ۵۸۲). بر این اساس آنچه مشخص است این است که در دین اسلام برای تعلیم و تأدیب کودک تنبیه به عنوان آخرین راه‌حل آن هم با توجه به رعایت شرایطی خاص توصیه شده است. بر این اساس آنچه در اسلام بیان شده تنبیه بدنی به گونه‌ای که صرفاً قصد آگاه‌سازی در آن باشد جایز است و هرگز آزار و خشونت بدنی که متأسفانه در بسیاری از رسانه‌ها و تبلیغات سوء بیان شده جایز نیست. در پژوهش حاضر کودکان بیان می‌کردند که خداوند انسان‌هایی که عملکرد بد دارند را تنبیه می‌کند، لیکن خداوند کودکان را تنبیه نمی‌کند و با آنان مهربان است. به عبارت دیگر کودکان در پرتو آموزش‌های مذهبی که در ذات بشر نیز نهفته است به اصل کاربرد تنبیه اعتقاد داشتند، لیکن در قبال خود بیشتر ترجیح می‌دهند والدین از شیوه‌های جایگزین استفاده نمایند که این اصل در سنت امامان معصوم علیهم السلام به خوبی آشکار است.

در تطابق اصول روانشناسی با اصول اسلامی باید گفت نه تنها تناقضی در این زمینه وجود ندارد، بلکه به خوبی اصول روانشناسی در چارچوب اصول اسلامی قرار می‌گیرد و منطبق می‌شود. بیشتر فیلسوفان تعلیم و تربیتی از افراد مذهبی بوده‌اند که در بیان نظریات و افکار خود تأثیر اعتقادات مذهبی را به خوبی نشان داده‌اند. خداوند در هر دینی و مذهبی که بیان شده مهربان، بخشایشگر و قادر مطلق است. به ویژه در دین اسلام که به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین مطرح می‌باشد و اصول روانشناسی در تطابق با طبیعت و فطرت الهی انسان و با الهام از اصول آن استخراج شده است، هر کجا اصلی در تعلیم و تربیت کودک بیان می‌شود به واقع در

ابتدا در سنت و سیره عملی انبیاء و قرآن کریم وجود دارد. در ارتباط با تنبیه بدنی آنچه روانشناسان راجع به آن و شرایط آن گفته‌اند در دین اسلام به وضوح و با استدلال قوی بیان گردیده است.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر آن بود که با افزایش سن و تحصیلات میزان کاربرد تنبیه بدنی توسط مادران کاهش می‌یابد. تحقیقات نشان داده مادرانی که تحصیل کرده هستند با شناخت، آرامش و آگاهی بیشتری به تعلیم و تربیت فرزندان خود می‌پردازند (البرزی، ۱۳۸۶: ۲۳۹).

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به هدف شناسایی دیدگاه کودکان از تنبیه بدنی انجام گرفت. نتایج پژوهش حاضر با آنچه در روانشناسی و تعلیم مذهبی آمده است تناقضی ندارد. هر چند در جریان جامعه‌پذیری کودکان روش‌های متعددی از گذشته تا حال به کار رفته است و پیامدهای مختلفی در دوران‌های مختلف به ویژه با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، به دست آمده است، لیکن یک امر در همه موارد و دوران‌ها و فرهنگ‌ها مشترک است و آن هم اثرات سوء و پیامدهای منفی تنبیه بدنی است تنبیه و تشویق از ابزارهای تربیتی است، لیکن تنبیه بدنی عاملی منفی در تربیت به حساب می‌آید که این پژوهش نیز با توجه به دیدگاه کودکان در ساده‌ترین فعالیت کودکان (نقاشی) نشان داده شد. بر این اساس می‌توان گفت والدین باید ابتدا به طور کامل از لحاظ مذهبی با شناخت کامل از کودک و ویژگی‌های وی، از حقوق و وظایف خود در قبال فرزندان و متقابلاً از حق فرزندان در قبال خود آگاه شوند و در جهت شناخت کودک و ارضای نیازهای وی به جای ارضای نیازهای خود برآیند تا هرگز نیازی به استفاده از تنبیه به ویژه تنبیه بدنی نگردد که این امر در نزد خداوند امری مقبول و پسندیده نیست.

### منابع

#### الف - فارسی

۱. البرزی، محبوبه؛ تبیین واسطه‌گری باورهای انگیزشی در مدل خلاقیت کودکان با رویکرد به متغیرهای خانوادگی، مدرسه‌ای و باورهای اسنادی در دانش آموزان مقطع ابتدایی، رساله دکتری، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۶.
۲. مروجی طبسی، محمد جواد؛ حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، بوستان کتاب، قم، چاپ نهم، ۱۳۸۷.
۳. مهدوی راد، محمدعلی؛ زرسازان، عاطفه؛ روش تربیت در سیره انبیاء از نگاه قرآن کریم، پژوهش دینی، ۱۳۸۵، شماره ۱۴.
۴. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، جلد ۲، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۵.
۵. المجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، جلد ۷۵، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

ب- عربی

۶. عاملی، شیخ حرّ؛ *وسائل الشیعه*، جلد ۱۸، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ه. ق.

ج- لاتین

7. Amabile, T. M; 2001, "**Beyond Talent: John Irving and the Passionate Craft of Creativity**", *American Psychologist*, 56(4), 333-336.
8. Deci, E. L & Ryan, R. M; 2000, "**The “What” and “Why” of Goal Pursuits: Human Needs and the Self-Determination of Behavior**", *Psychological Inquiry*, 11(4), 227-286.
9. Dobbs T, Smith A, Taylor N; 2006, "**No, we don't get a say, children just suffer the consequences**", *Children talk about family discipline. The International Journal of Children's Rights*, 14: 137-156.
10. Gurland S. T & Grolnick ,W. S; 2005, "**Perceived Threat, Controlling Parenting, and Children's Achievement Orientations**", *Motivation and Emotion*, 29(2), 103-121.
11. Grolnick,W. S; 2003, *The psychology of parental control: Howwell- meant parenting backfires*. NewYork: Guilford Press Hennessey, B. A. (2003). " *The Social Psychology of Creativity*". *Scandinavian Journal of Educational Psychology*, 4, 253- 271.
12. Nixon, E. ,& Halpanny, A. , N; 2010, **Children's Perspectives on Parenting Styles and Discipline: A Developmental Approach**. Office of the Minister for Children & Yuth, 1-96.
13. Nobes, G. and Smith, M; 1997, "**Physical punishment of children in two-parent families**", *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 2, 271-281.
14. Parke, R. D and Buriel, R; 1998, "**Socialisation in the family: Ethnic and ecological perspective**" In: W. Damon (Series Ed. ) and N. Eisenberg (Volume Ed. ), *Handbook of Child Psychology. Volume 3: Social, emotional and personality development* (5th edition). New York: Wiley, pp. 463-552.
15. Ratelle, C. F, Guay, F. , Larose, S, Senecal, C; 2004, "**Family correlates of trajectories of academic motivation during a school transition: A semiparametric group- based approach**", *Journal of Educational Psychology*, 96(4),743-754.
16. Ryan, R. M & Deci, E. L; 2000, "**Self- determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well- being**", *American Psychologist*, 55, 68-78.
17. Sanapo, M., S & Nakamura, U; 2011, **Gender and Physical Punishment: The Filipino Children's Experience**, *Child Abuse Review*, 20: 39-56 .
18. Saunders BJ, Goddard C; 2008, "**Some Australian children's perceptions of physical punishment in childhood**", *Children & Society* 22: 405-417.
19. Straus M, Stewart J; 1999, **Corporal punishment by American parents: National data on prevalence, chronicity, severity, and duration in relation to child and family characteristics**, *Clinical Child and Family Psychology Review* 2: 55-70.
20. Torretta, A & Bovits, A; 2005, "**An Affirmative Approach to Parental Involvement in Youth Programs**", *Journal of Extension*, 43(4), 230-255.